

# اقتصاد سایه (در شهر)

دانا ویک‌ویر\*

ترجمه شانس، محمّدی

## چکیده

بخش غیر رسمی در اقتصاد شهر و کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه با اهمیت‌تر از آن است که به‌نظر می‌رسد. در شهرهای بزرگ، درصد نیروی کار بخش غیر رسمی به رسمی بین ۲۰ درصد (مانیل) تا ۸۰ درصد (کینشازا) در نوسان است. فروشنندگان دوره‌گرد، خدمه رستورانها و مغازه‌ها، تعمیرکاران سیار، کارگران فصلی، کارکنان کارگاههای تولیدی کوچک، بازیافت‌کنندگان زباله‌ها و ... طیف وسیعی از جمعیت شاغل در بخش غیر رسمی را تشکیل می‌دهند. از ویژگیهای بارز نیروی کار در بخش غیر رسمی اشتغال زنان و کودکان است. مقاله زیر از نوع مقالات نادری است که براساس تحقیقات سازمان بین‌المللی کار (ILO) و مؤسسه بین‌المللی توسعه هروارد (HIID) و ... به داده‌ها و آمارها و ظرفیت‌سنجیهای باارزشی مجهز است که در مطالعات بخش غیر رسمی کمتر دیده می‌شود. تأمین خدمات شهری، منافع اقتصادی، آموزش عمومی، قوانین کار و مالیاتی و سازماندهی نیروی انسانی بخش غیر رسمی اقتصاد از جمله مسائلی است که مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. کار آفرینی توسط «انجمن خود اشتغالی زنان (SEWA) در احمدآباد هند با دوپست و پنجاه هزار عضو، مؤسسه مالی گرامین (گرامین بانک) در بنگلادش، کارگاههای کوچک صنعتی با استفاده از بازیافت زباله‌های فلزی ... از جمله موارد عینی موفق در حل مسائل و مشکلات کارکنان این بخش است که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تغییر نگرش و رویکرد به بخش غیر رسمی اقتصاد هم از دیدگاه نظری و هم از دیدگاه ساماندهی در این مقاله جایگاه ویژه‌ای دارد.

**کلید واژه‌ها:** اقتصاد شهری، بخش غیر رسمی اقتصاد، مدیریت شهری، بخش خدمات، فقر شهری، اشتغال آفرینی، خود اشتغالی، فقرزدایی، مشاغل کاذب، کارگاههای کوچک کلانشهرها، تشکلهای صنفی، کار زنان و کودکان.

آشکارند و پنهان کارگران در بخش «غیر رسمی» اقتصاد تنها به دلیل شرایط ناپایدار، غیرقانونی بودن و آسیب پذیر بودن کارشان، از دیگر هم‌تایان رسمی خود متمایز هستند.

خانم ناگامال لاکشمی<sup>۱</sup> فروشنده‌ای دوره‌گرد در بازار روز با شش روز کار ده ساعتی در هفته است. ساعت پنج صبح از خواب برمی‌خیزد و پس از طی ۳۵ کیلومتر مسافت با قطار مملو از مسافر خود را برای سبزی یا میوه فروشی در پیاده‌روها به بازار می‌رساند.

ناگامال در شهر چند میلیونی مدرس در جنوب هند زندگی می‌کند و به زندگی بخور و نمیر خود ادامه می‌دهد. او در اتاقی در طبقه سوم یک ساختمان اجاره‌ای واقع در زیرگذرگاه یک اتوبان زندگی می‌کند. بوه‌زنی است از کاست فرودست با پوستی تیره و خوش‌سینما که در فضایی به وسعت تقریبی ۲۴ متر (۱۲ در ۲۰ فوت) با پنج فرزند و دو نوه خود به سر می‌برد. در ساختمان ۳۰ خانواری که او زندگی می‌کند آب لوله‌کشی وجود ندارد و تنها یک دستشویی در طبقه همکف قرار دارد اما ناگامال و اعضای افراد خانواده‌اش می‌گویند که زندگی در این مکان به مراتب بهتر است از زندگی کردن در الونک نشینهای گسترده و کثیفی که می‌بایست در آن مستقر می‌شدند.

نکته بارز در مورد ناگامال شایستگی، کرامت، انرژی، توان، روحیه و سرانجام از خودگذشتگی اوست. ناگامال نمونه بارزی است از صدها میلیون نفر در سرتاسر جهان که توسط افرادی که فاصله زیادی با این نوع زندگی دارند تحت عنوان «بخش غیر رسمی» شناخته شده‌اند.

گرداندگان «بخش غیر رسمی» در همه جا هستند. آنها زنان و کودکانی هستند که کوههایی از زباله را در شهر ریو (ریودوژانیرو) چنگ می‌زنند.

بچه صنعتگرانی هستند که به کارهای خطرناک و کثیف در کارگاههای کوچک شهر الیگره مشغول‌اند. زنان خشن و پُرسر و صدای راجستانی هستند که در کنار خیابانهای دهلی روبالشیهای زیبای حاشیه دوزی شده می‌فروشند. هزاران کارگری هستند که با اعضای خانواده‌هایشان در چادرهای پلاستیکی کوچک ابتکاری خود در پیاده‌روهای بمبئی زندگی می‌کنند. زنان بلند بالای سنگالی هستند که بر میزهای اسقاطی خود سسمه و مهره‌های سیاه می‌فروشند و صدها هزار خدمه و فروشنده مواد غذایی خوشمزه کنار جاده‌ها بر منقلهای روباز هستند. استادکاران ماداگاسگاری هستند که در محوطه‌ای کوچک و باز در انتاریو به تعمیر موتور و یا دیگر ماشینهای پیچیده مشغول‌اند. باغبانان آمریکای لاتینی‌الاصلی هستند که بدون مجوز به کار چمن‌زنی و مراقبت از سبزه‌های بورلی هیلز و کرینویچ مشغول‌اند. کارگران فنی و بازاریان نیجریه‌ای هستند که بی‌باکانه موتور سه‌چرخه‌های مملو از بار را در بندر هارکوت هدایت می‌کنند و بالاخره کولیهای سخت‌جان و پرتاقتی هستند که با تاکسیهای قراضه و دست چهارم خود در بروکلین و اقصا نقاط آن در رفت و آمدند. همه این نمونه‌ها آشکار و در عین حال پنهان‌اند. سازمان نیافته‌اند، شمارش نشده‌اند، اما در بخش عظیم اقتصاد سایه فعالیت می‌کنند. عرضه‌کننده اکثر کالاها و خدمات مصرفی یک‌سوم (یا بیشتر) جمعیت جهان هستند و هم‌زمان با همین خرده‌کارها و کار در منزل تولید کننده میلیاردها (ارزش) در فرایند اقتصادی هستند. نیروی در حال رشد اکنون آشکار شده است که بخش «غیر رسمی» در اقتصاد به مراتب بزرگتر از آن است که در گذشته پنداشته می‌شد. طبق برآورد سازمان بین‌المللی کار (ILO) در فقیرترین

فعالیت دارند، یعنی افرادی که از نظر موقعیت در نقطه مقابل کارگران کارخانه‌ها قرار دارند. در برخی کشورها تعداد چنین افرادی به دهها میلیون نفر می‌رسد و سهمی قابل توجه را از تولید ناخالص ملی به خود اختصاص می‌دهند.

تأکید بر شمار بیش از حد اعضای بخش غیررسمی (و در واقع همه شهروندان) بی‌پایه نیست. از یک سو تأمین خدمات از طرف حکومت، منافع این بخش، آموزش عمومی، تقویت قوانین کار، وابسته به برآورد تعداد شهروندان است و از سوی دیگر ظرفیت سنجی بخش غیررسمی از جنبه قدرت سیاسی مستقل آنها، دارای اهمیت است. در موارد بسیاری آنهایی که تلاش می‌کنند به صورت رسمی پذیرفته شوند نیازمند اتحاد و شناساندن خود هستند، مثل «انجمن خود اشتغالی زنان» (SEWA) مستقر در احمدآباد هندوستان به صورتی موفقیت‌آمیز چنین سیاستی را طی دو دهه دنبال کرده است. انجمن خود اشتغالی زنان در واقع یک اتحادیه کارگری است که توسط کارگران زن بخش غیررسمی ایجاد شده و در حال حاضر دارای دوست و پنجاه هزار عضو است که هم از نظر سازمان و هم از نظر سیاسی - اجتماعی نفوذ قابل توجهی دارد.

یکی از مشکلات سنجش دقیق ابعاد بخش غیررسمی ناشی از اشتغال به کار زنان در منزل است. پروفیسور شن معتقد است که کارهای درآمدزای زنان در سطحی وسیع ناشناخته و محاسبه نشده باقی مانده است. او می‌گوید براساس مطالعات جدیدتر نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، هم کارگران شرکتها و بنگاهها (آنها) که به صورت قرارداد جنبی کار می‌کنند و هم آنهایی که رسماً در بخش بازرگانی کار می‌کنند باید

کشورها هشتاد درصد کارگران در بخشهای غیررسمی و کشاورزی فعالیت دارند در حالی که در کشورهای با درآمد متوسط این رقم از چهل درصد نیز فراتر می‌رود. اکثر برآوردها این مسئله را تأیید می‌کنند که به طور متوسط سی درصد کارگران در شهرهای کشورهای در حال توسعه در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند. در موارد کمی این درصد پایتیر و در بسیاری موارد بالاتر است. براساس آمارهای گردآوری شده توسط سازمان بین‌المللی کار سهم بخش غیررسمی در اشتغال شهری در پرو چهل و نه درصد، در اکوادور چهل درصد و در کلمبیا پنجاه و چهار درصد است. در میان پانزده کشور افریقای جنوب صحرا، سهم اشتغال غیررسمی شهری از کل اشتغال غیررسمی عبارت است نه درصد در زیمبابوه، هشتاد درصد در بنین یا رقم متوسطی در حدود چهل و نه درصد. اگر چه آمارهای جدید سازمان بین‌المللی کار در این باره اطلاعات روشنتری عرضه کرده است، (از جمله بخش غیررسمی در تولید ناخالص ملی [GNP]) اما تفاوت در داده‌ها و روشهای مختلف سرشماریها مقایسه بین کشورها را محدود می‌کند. محاسبه شمار کارگران مشغول به کار در بخش غیررسمی و اندازه‌گیری سهم و ارزش آنها در اقتصاد هم از نظر فنی و هم به خاطر انعطاف و تنوعی که در تعریف فعالیتهای اقتصادی بخش غیررسمی وجود دارد و طبقه‌ای مهم و باارزش است. پروفیسور مارتاشن<sup>۱</sup> «از مؤسسه بین‌المللی توسعه هاروارد» (HÍÍD) خاطرنشان می‌سازد که آمار مربوط به کارگران بخش غیررسمی اغلب ناقص است و این به دلیل عدم موفقیت در به حساب آوردن افرادی است که در بخشهایی چون بازرگانی و فعالیتهای خدماتی (از جمله فروشندگان خیابانی و کنار خیابانی، دکه‌داران و بساطیها، دلالها، صرافها، گاری‌چیها و طبق‌دارها)

درصد جمعیت شاغل کشور (تقریباً تمامی جمعیت بزرگسال و کودکان) در بخش غیر رسمی به فعالیت ادامه می دهند.

دونالد اسنودگراس<sup>۱</sup> و تیلور بیگز<sup>۲</sup> در کتاب اخیرشان به نام «صنعتی شدن، شرکتهای کوچک» خاطرنشان می سازند که: در پاره‌ای از کشورها قوانین و مقررات آگاهانه‌ای وضع شده است که در جهت حفاظت از منافع شرکتهای ثبت شده و کارکنان آنها به مثابه سدهایی بین بخش غیر رسمی و رسمی عمل می کند، به این ترتیب حکومتها از وظایف قانونی و یا اخلاقی خود در افزایش دستمزدها، ساعات کار و قوانین مربوط به حفاظت از محیطهای کار و کارگاههایی که رسماً ناپیدا هستند معاف هستند. بی پولی، رخوت، فقدان انگیزه سیاسی و یا فشار گروههای ذی نفع برای حفظ وضعیت موجود عوامل تبیین کننده این مسئله هستند که چرا حکومتها و دولتها نسبت به بدتر شدن شرایط بخش عظیمی از جمعیت خود حساسیت لازم را ندارند.

نظریه دیگری که ممکن است تبیین کننده علل دوام بخش غیر رسمی باشد مبتنی است بر فن آوری، خصوصی سازی، مقررات زدایی، جهانی سازی که همگی منجر به کم شدن تعداد مشاغل رسمی شده‌اند. در ایالات متحد صدها از هزاران مدیران میانی، مهندسان و تکنیسینها به دنبال جریان کوچک گردانی، طی دهه گذشته مشاغل دائمی خود را از دست داده‌اند و تعداد زیادی از این افراد به شیوه‌های خود اشتغالی خدمات خود را با قراردادهای مستقیم به متقاضیان عرضه می کنند. هراند و دوسوتو، نویسنده کتاب معتبر راه

به حساب بیابند و ادامه می دهد «به رسمیت شناختن و از آن مهمتر شمارش زنانی که کار پنهان می کنند (یعنی همانهایی که ما تحت عنوان واقعیت جنسیت و کار می شناسیم) چالشی است در مقابل ما، نه فقط برای شناخت عملی بخش غیر رسمی بلکه برای شناخت کل اقتصاد. آمار و ارقامی که اخیراً پروفیسور ارائه کرده نشانگر این است که قسمت اعظم کل فعالیتهای اقتصادی توسط زنان انجام می شود. برای مثال در پایتخت آرژانتین یعنی بئونس آیریس و دیگر شهرهای این کشور از قبیل کوردوبا، روزاریو، بین هشت تا ده درصد کارگران کارگاهها در خانه کارهای محوله را انجام می دهند. در فیلیپین سیزده و هفت درصد کارگران بخش غیر رسمی در خانه‌ها کار می کنند، در حالی که در دو کشور ملاوی و بوتسوانا هفتاد و هفت درصد شرکتهای و مؤسسه‌ها در خانه‌ها مستقرند. همین رقم برای کشور مصر پنجاه و سه درصد است.

### چرا بخش غیر رسمی پایدار است

درباره علت پایداری و تداوم بخش غیر رسمی نظریه‌های مکمل و متضاد فراوانی وجود دارد. بخش غیر رسمی در زمان رکود و پایین آمدن تولید ناخالص ملی (GNP) و فقدان رشد اقتصادی تقویت می شود. براساس این نظریه، رشد در تولید ناخالص ملی وقتی ناشی از توسعه بخش رسمی باشد موجب تضعیف بخش غیر رسمی خواهد شد. اما تجربه نشان داده است که چنین فراگردی قطعی نیست. برای مثال، در کشورهایی چون هندوستان در حالی که رشد اقتصادی قابل توجهی وجود دارد بخش غیر رسمی نیز در حال گسترش است. هند در حالی که باشکوفایی و رشد طبقه متوسط خود (در حال حاضر یک پنجم جمعیت یک میلیاردی هند) روبه‌رو است هنوز نود و دو

1. Donald Snodgrass  
2. Tyler Biggs

پاره‌ای از کشورها برای بقای این نوع واحدها فرزندان کارکنان را نیز در شمار کارکنان قرار می‌دهند. این احتمال وجود دارد که واحدهای تولیدی سازنده اجاق در قطعه زمینی (در فضای باز) که مالکیت آن مشخص نیست بنا شده باشد. در بخش غیر رسمی اقتصاد این نوع تجمعات تولیدی که با تصرف عدوانی همراه هستند از طرف مقامات اجتناب‌ناپذیر و حتی لازم تلقی می‌شود. اما، در شهرهای در حال توسعه همراه با رشد اقتصادی مطمئن، ارزش زمین همواره بیشتر می‌شود، مسئله مالکیت قانونی زمین، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، و تصرف عدوانی زمین نیز شدیدتر می‌شود. سؤال این است: اگر این بنگاههای نوعی اجاق‌ساز بخواهند محل کار خود را عوض کنند آیا با قیمت مناسب می‌توانند مکان دیگری را که نزدیک به مصرف‌کنندگان باشد پیدا کنند؟ و آیا این واحدها برای بقای خود و خرید زمین وام مورد نیاز را می‌توانند دریافت کنند؟

و سرانجام شاید مهمترین مسئله این است که اجاق‌سازان مورد نظر ما و کارکنان و وابستگان و میلیونها نفر مشابه آنها در برزخ بلاتکلیفی خود سخنگویی در قدرت سیاسی برای بقا ندارند و بالطبع فاقد ابزاری هستند که توسط آن حکومت‌های خود را برای دریافت خدمات شهری و اجتماعی قابل دسترسی دیگر شهروندان تحت فشار قرار دهند. کارگران بخش غیر رسمی برای بهره‌گیری از برنامه‌های تأمین اجتماعی موجود واجد شرایط نیستند، در برخی کشورها بیش از هشتاد درصد جمعیت در این طبقه قرار می‌گیرند. کارکنان بخش غیر رسمی اساساً جزو آخرین کسانی هستند (معمولاً پس از دهها سال) که از خدمات و تسهیلات شهری مانند آب آشامیدنی، فاضلاب،

دیگر<sup>۱</sup> درباره بخش غیر رسمی در پرو خاطر نشان می‌سازد که: بخش غیر رسمی عبارت است از «انجام فعالیتهای قانونی به شیوه‌ای غیر قانونی». این فعالیتهای تنها به این دلیل غیر قانونی هستند که از دایره ثبت‌شدن، مالیات و مقررات شهرداری و دولتی به صورت رسمی خارج می‌شوند و از مجازات اقتصادی فعالیتهای رسمی مصون می‌مانند. دوسو تو یکی از نخستین کسانی است که هزینه‌های بالای مالی و اجتماعی مربوط به بخش غیر رسمی را مستند کرده است. برای نمونه او اشاره می‌کند به کارگاههای مشترک پنج نفره‌ای که اجاقهای خوراک‌پزی خانگی را از بشکه‌های خالی از رده خارج شده نفت درست می‌کنند. این کار آفرینان ثبت نشده، بدون مجوز، احتمالاً از حق ثبت و جواز کسب و مالیات، تعیین دستمزد و ساعات کار و مقررات ایمنی کار موجود فرار می‌کنند.

این سازندگان اجاق به‌عنوان کارآفرینانی از بخش غیر رسمی شانس اندکی در دسترسی به سرمایه و وام‌های کوتاه مدت کسب و کار دارند و راهی جز توسل به نرخهای بهره نزول خوران ندارند که، طبعاً ظرفیت توسعه کسب و کارشان نیز محدود خواهد شد. به‌علاوه این نوع واحدهای کسب و کار در مقابل نوسانات بازار و گران‌شدن مواد مصرفی نیز ضربه‌پذیر هستند، زیرا همه افراد آنها (حتی خریداران) باید در زیر فشاری مشترک به بقای خود ادامه دهند و طبعاً منابعی نیز برای رشد اقتصاد منطقه خود نیز ندارند. علاوه بر این، کارکنان این اجاق‌سازی هیچ‌گونه امنیت شغلی نیز ندارند، تحت پوشش قوانین دولتی و شهرداری نیز نیستند، و چیزی نیز دریافت نمی‌کنند زیرا این افراد رسماً وجود خارجی ندارند. این افراد از هیچ یک از مزایای استخدامی از جمله یارانه مسکن که در اکثر واحدهای تولیدی رایج است استفاده نمی‌کنند. در

روشنایی خیابان و تعمیر و نگهداری بهره‌مند می‌شوند. این مسائل واقعیتهای ناگوار زندگی اکثر اعضای بخش غیر رسمی در شهرهاست. بعضیها و از جمله سازندگان اجاق مورد نظر تصادفاً ممکن است با ورود به بخش رسمی اقتصادی از امکانات رفاهی و تأمین نسبی آن برخوردار شوند. اما موانع مالیاتی و اداری ورود به جرگه قانونی و رسمی برای چنین افرادی قابل رفع نیست. دوسوتو و همکارانش در یک تلاش تجربی (زیانزد و معروف) برای تأسیس و راه‌اندازی یک واحد تولیدی کوچک لباس، سیصد روز وقت صرف کردند تا از سد مقررات اداری بگذرند، آنهم با هزینه‌ای (از جمله پرداخت رشوه‌های گوناگون) سی و دو برابر حداقل دستمزد ماهانه در پرو.

### تقویت بخش غیر رسمی

بسیاری از کارشناسان معتقدند که کمک به بخش غیر رسمی برای خروج از این دایره بسته اقتصادی و نیرومند کردن بخش از نظر اقتصادی مؤثرترین راه حمله به فقر و مبارزه با استثمار اعضای آن است. البته عدم توافق شدیدی بر سر نحوه انجام این کار به بهترین شکل ممکن وجود دارد. فلسفه اصلی توسعه در اینجا حمایت از کوچکترین واحدهای کسب و کار (حتی واحدهای یک نفری) است. در سرتاسر جهان در حال توسعه صدها پروژه بزرگ با متولیان و اهداکنندگان بین‌المللی با هدفهای بهبود عملکرد اقتصادی - سیاسی بخش غیر رسمی وجود دارد. از طریق نهادهایی مانند گرامین بانک بنگلادش، SEWA، در احمدآباد، محفل کارگران زن در مدرس (WWF)، میلیونها زن برای نخستین بار با دسترسی به مقدار کمی سرمایه موفق به بهبود شرایط زندگی خود و بالابردن امکانات دسترسی فرزندانشان به مراحل بالاتر اقتصادی شده‌اند.<sup>۱</sup>

به مورد ناگامال فروشنده سبزی و میوه در مدرس باز می‌گردیم. او با ملحق شدن به محفل کارگران زن و پس‌انداز در صندوق آنها به وامی (کمتر از صد دلار) با نرخ بهره معقول دسترسی پیدا می‌کند. مبلغ خیلی کمی (روپیه) که هر روز پس‌انداز کرده است او را قادر می‌سازد تا نوه خود را به مدرسه بفرستد. با اندوخته‌ای بسیار ناچیز، در سطحی فوق‌العاده پایین اما هدفمند و صحیح، می‌توان کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشید.

اما یاری رساندن به واحدهای کسب و کار خیلی خیلی کوچک برای بهبود شرایط زندگی میلیونها نفر اعضای بخش غیر رسمی اقتصاد کافی نیست. برخی ناظران در عین ارج‌گذاری به نیت پس‌سنندیده این نوع اقدامات کوچک، مسئله اختصاص دادن منابع محدود به فقیرترین افراد (یعنی به ضربه پذیرترین بخش غیر رسمی) در شرایط ادامه حیات روزمره و دادن بهای بیش از حد به آن را در بهبود شرایط عمومی و اقتصادی آنها به زیر سؤال می‌برد.

رشد فزاینده اقتصاد غیر رسمی به‌خودی خود دلیل نیاز به اشتغال و حق مردم به داشتن کار است. این معضل موجب سردرگمی نهادهای بین‌المللی توسعه شده است که آیا اقتصادی که وجود دارد (بخش غیر رسمی) را باید رسمی و قانونی کرد یا نه؟ چگونه آن را باید سامان داد؟ بهبود همه جانبه شرایط حاکم بر اقتصاد غیر رسمی امری محتمل به نظر نمی‌رسد. با این وجود وقتی رهبران بخش رسمی خود و هم‌قطاران کارگر خود را سازماندهی کرده‌اند می‌شود روی خواسته‌های برحقمانند

۱. طبق گزارش J. D. Tailli Ant کارشناس شهری بانک جهانی، طی ۳۰ سال گذشته گرامین بانک بنگلادش دو میلیارد دلار وام کمتر از ۳۰۰ دلار به نیازمندان برای اشتغال پرداخت کرده که به موقع نیز باز پرداخت شده است.

این افراد خود را چگونه مطرح و تعریف می‌کنند، عضو بخش غیر رسمی یا رسمی؟

حقوق سیاسی، مالی به‌عنوان یک دستاورد تأکید کرد، از چنین همکاری‌هایی ممکن است رونق حاصل شود اما قطعاً سؤالی که مطرح است این است که

جدول اشتغال در بخش غیر رسمی در شهرها (به صورت درصد)

۶۴٫۶ درصد	۱۶- بخارست	۶٫۰ درصد	۱- ایبجان
۶۹٫۵ درصد	۱۷- بوجمبورا	۳۰٫۵ درصد	۲- اکرا
۶۱٫۰ درصد	۱۸- دارسلام	۵۶٫۰ درصد	۳- آدیس آبابا
۲٫۰ درصد	۱۹- دهلی	۶۶٫۷ درصد	۴- آمستردام
۴۱٫۰ درصد	۲۰- هاراره	۱۶٫۶ درصد	۵- آروشا
۴۱٫۰ درصد	۲۱- جا کارتتا	۳۳٫۳ درصد	۶- اسونسیون
۳۲٫۰ درصد	۲۲- کامپالا	۴۵٫۶ درصد	۷- باندونگ
۳۲٫۰ درصد	۲۳- کینشازا	۸۰٫۰ درصد	۸- بنگال
۱۲٫۶ درصد	۲۴- لاهور	۶۰٫۰ درصد	۹- بارابادوس
۷۷٫۹ درصد	۲۵- لاگوس	۶۹٫۰ درصد	۱۰- بی‌واندی
۸۶٫۵ درصد	۲۶- لومه	۲۷٫۰ درصد	۱۱- بیرات ناگار
۵۳٫۸ درصد	۲۷- مانیل	۲۰٫۴ درصد	۱۲- یوگوتا
۶۸٫۱ درصد	۲۸- ریودوژانیرو	۳۳٫۶ درصد	۱۳- بمبئی
۱٫۹ درصد	۲۹- سانتیاگو	۲۲٫۹ درصد	۱۴- بوردو
۵۰٫۳ درصد	۳۰- زاگرب	۲۰٫۰ درصد	۱۵- برازاویل